

ارتباط سبک دلبستگی مادر با مهارت‌های ارتباطی فرزندان پسر عقب مانده ذهنی آموزش پذیر

محمد طاهری^{۱*}؛ خلیل قاسمی^۲؛ سمیه صدرجهانی^۳؛ معصومه پورمحمدرضای تجربی^۳؛ عبدالرضا اکبری بیاتیانی^۱؛

بهار عرشی^۴

چکیده

زمینه: در نظریه دلبستگی، رفتار مادرانه و واکنش‌های مادر نسبت به فرزند خود تحت تأثیر سبک دلبستگی مادر قرار دارد. در رشد مهارت‌های ارتباطی، نقش مادر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک دلبستگی مادر و مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی آن‌ها انجام شد.

روش‌ها: این پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد. نمونه پژوهش شامل ۱۲۷ دانش‌آموز پسر عقب‌مانده ذهنی دوره راهنمایی شهر شیراز در هر سه پایه اول، دوم و سوم در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷، به همراه مادران آن‌ها بود. برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به سبک دلبستگی مادر از پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان (AAS) (۱۹۸۷) استفاده شد. داده‌های مربوط به مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی به وسیله آزمون فرعی "مهارت‌های ارتباطی" آزمون مهارت‌های اجتماعی واینلند (۱۹۶۵) جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد.

یافته‌ها: مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی با سبک دلبستگی ایمن ارتباط مثبت معنادار ($P < 0/001$) و با سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) در مادران ارتباط منفی معنادار داشت (به ترتیب $P = 0/031$ و $P < 0/002$). نتیجه‌گیری: سبک دلبستگی مادران بر روی مهارت‌های ارتباطی فرزندان پسر عقب مانده ذهنی آن‌ها تأثیرگذار است. کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی، مهارت‌های ارتباطی، عقب‌مانده ذهنی آموزش پذیر

«دریافت: ۱۳۹۰/۴/۳ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۹/۰۱»

۱. گروه روانشناسی کودکان استثنایی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

۲. گروه روانشناسی کودکان استثنایی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه اصفهان

۳. گروه مشاوره خانواده، دانشکده مشاوره و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران

۴. گروه گفتاردرمانی، دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

* عهده‌دار مکاتبات: شیراز، بلوار رحمت، خ شهید کشوری، کوچه ۲۵، پلاک ۳۹۵، تلفن: ۰۹۳۹۶۴۴۳۹۱۱

E-mail: taheri.mo80@hotmail.com

مقدمه

پیام‌های کلامی و غیرکلامی، بینش نسبت به فرایند ارتباط و در نهایت قاطعیت در ارتباط می‌باشد (۲). اهمیت مهارت‌های ارتباطی تا جایی می‌باشد که در صورت عدم کسب آن، فرد دچار مشکلات روانشناختی مانند احساس تنهایی، اضطراب اجتماعی، افسردگی، حرمت خود پایین و عدم موفقیت‌های شغلی و تحصیلی (۳)، گرایش به بزهکاری (۴)، ادراک شایستگی اجتماعی پایین و انتظارات سطح پایین برای پیامدهای اجتماعی و

اجتماعی شدن هر انسان، دستاورد مهارت‌های ارتباطی است که قبلاً آموخته است. مهارت‌های ارتباطی، بخشی از مهارت‌های زندگی هستند که به واسطه آن افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین فردی و فرایند ارتباط شوند (۱). مهارت‌های ارتباطی شامل توانایی‌های گوش دادن فعالانه، مهارت و نظم‌دهی به هیجان‌ها، دریافت و ارسال پیام‌های واضح ارتباطی و نیز کشف معنای حقیقی

ارزشیابی دوستان (۵) می‌شوند.

در رشد مهارت‌های ارتباطی، نقش خانواده و مادر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا کودک، امنیت از دست‌رفته درون‌رحمی خود را از طریق آغوش گرم مادر جبران می‌کند و این پایگاه پر از عاطفه، پایه‌گذار نخستین طرح‌واره‌های ارتباطی و عاطفی در نوزاد است و بدون شک تضمین‌کننده امنیت روانی - عاطفی و اجتماعی کودک در سال‌های بعدی زندگی اوست (۶).

در نظریه دلبستگی، رفتار مادرانه و واکنش‌های مادر نسبت به فرزند خود تحت تأثیر سبک دلبستگی مادر قرار دارد؛ چرا که آن‌ها بر اساس تجارب دوران کودکی خود از والدین به واکنش‌های هیجانی فرزندان خویش پاسخ می‌دهند و شخصیت آن‌ها را رقم می‌زنند (۷). از سوی دیگر مفروضات نظریه دلبستگی نشان می‌دهد که تعامل و ارتباط فرد با دیگران با کسی که از او مراقبت می‌کند، یعنی مادر آغاز می‌گردد و در فرایند تحول، این تمایل به دیگران گسترش می‌یابد (۸). مادران دارای دلبستگی ایمن در تعامل با فرزندانشان، گرم، حمایت‌کننده و حساس هستند و در حل مسایل به کودکان خود کمک بیشتری می‌کنند. اما مادران دارای دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا)، والدینی می‌شوند که قادر به برقراری رابطه صحیح و محکمی با فرزندان خود نیستند (۹). آن‌ها در ارتباط با فرزندان خود بسیار سرد و بی‌احساس بوده و زمانی که کودک به آن‌ها نیاز دارد او را طرد می‌کنند (۱۰).

تاکنون پژوهش‌های اندکی در زمینه سبک دلبستگی مادران و مهارت‌های ارتباطی کودک به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم انجام شده است. تعدادی از مطالعات نشان دادند که سبک دلبستگی بیشتر مادران دارای کودکان اوتیسم، ناایمن بوده و لذا تعامل آن‌ها با فرزندان خود منفی، خصمانه، طردکننده و غیرتقویت‌کننده است. همچنین این مادران تماس فیزیکی بیشتر، رفتارهای کم‌شدت‌تر و تقریب‌های کلامی اجتماعی کم‌تری با کودکانشان به کار می‌بردند (۱۱).

مطالعه استرنبرگ (Sterkenburg) و همکاران نشان داد که کودکان دارای ناتوانی ذهنی و نارسایی شدید دیداری که پیشینه اختلال نافرمانی مقابله‌ای داشتند، کودکانی بودند که از ارتباط دلبستگی نامناسبی با مادران خود برخوردارند. با اصلاح سبک دلبستگی ناایمن مادران و ایجاد یک رابطه دلبستگی ایمن در محیط خانه برای این کودکان، رفتارهای مبارزه‌طلبی و پرخاشگری آن‌ها کاهش یافته و سازگارتر شدند (۱۲).

سانگ‌هون (Sang-Hoon) و همکاران در بررسی خود بر روی کودکان دارای خاموشی عاطفی انتخابی، به این نتیجه رسیدند که بین سبک دلبستگی مادران و خاموشی عاطفی انتخابی کودکان آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؛ به این صورت که سبک دلبستگی این مادران در مقایسه با مادران دارای فرزندان عادی، بیشتر متمایل به سبک‌های ناایمن اجتنابی و دوسوگرا بود (۱۳).

عارفی و همکاران در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با کیفیت دوستی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر کرمانشاه" نشان دادند که بین سبک دلبستگی ایمن و کیفیت دوستی که نتیجه داشتن مهارت‌های ارتباطی است، رابطه مثبت معنادار و با سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا رابطه منفی معناداری وجود دارد (۱۴).

اهمیت داشتن مهارت‌های ارتباطی در مورد کودکان عقب‌مانده ذهنی دو چندان است، چرا که موفقیت آن‌ها در زندگی اجتماعی و شغلی، مشروط به داشتن مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی می‌باشد (۱۵). متأسفانه تعداد زیادی از کودکان عقب‌مانده ذهنی با مشکلاتی در ارتباط و تعامل با دیگران روبرو هستند که با مؤلفه‌های مهارت‌های آن‌ها ارتباط دارد. آن‌ها علاوه بر ارتباطات کلامی محدود، در ارتباطات غیرکلامی هم دچار نقصان‌هایی هستند. آن‌ها معمولاً مشکلاتی در فقدان توانایی آغاز ارتباط اجتماعی مثبت و مؤثر و نیز تداوم آن دارند؛ تعامل و ارتباط آن‌ها با همسالان و خانواده، همراه با پرخاشگری است و رفتارهای نامناسب نشان می‌دهند و

نمونه پژوهش را تشکیل دادند. در مطالعه حاضر از ۲ ابزار برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. این ابزارها عبارت بودند از:

الف) پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان (Adults Attachment Style): این آزمون که توسط هازان و شاور (Hazan & Shaver) (۱۹۸۷) ساخته شده (۱۷)، یک ابزار خودگزارش دهی است که بر مبنای سبک‌های دلبستگی سه‌گانه اینزروث (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) طراحی شده است. این مقیاس شامل توصیف‌هایی در زمینه احساسات فرد درباره درک او از روابط خود با افراد مهم زندگی فعلی وی می‌باشد (۱۸)، که روی یک مقیاس لیکرت ۹ درجه‌ای آرایه می‌شود؛ آزمون‌شونده به هر کدام از این توصیف‌ها نمره بالاتری اختصاص دهد، سبک دلبستگی او محسوب می‌شود. ضریب پایایی این پرسشنامه بیش از ۰/۸۳ به‌دست آمده است. همچنین روایی پرسشنامه به وسیله همسانی درونی سبک‌های دلبستگی، ۰/۷۴-۰/۵۵ به‌دست آمده و پایایی آن ۰/۸۴ در دلبستگی ایمن و ۰/۷۸ در دلبستگی نا ایمن دوسوگرا محاسبه گردید (۱۸).

ب) آزمون فرعی "مهارت‌های ارتباطی": داده‌های مربوط به مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی به‌وسیله آزمون فرعی "مهارت‌های ارتباطی" و آزمون مهارت‌های اجتماعی واینلند (Vineland's social test) (۱۹۶۵) جمع‌آوری شد. پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی واینلند در سال ۱۹۵۳ توسط ادگار تهیه و سپس در سال ۱۹۶۵ در آن تجدیدنظر به‌عمل آمد. این پرسشنامه، مهارت‌های ارتباطی را در ۱۶ ماده و سه زیرقلمرو شامل زیرقلمروهای دریافتی، بیانی و نوشتاری ارزیابی می‌کند. هر کدام از این مواد ۱ نمره دارد، به این صورت که اگر فرد آن ماده را بتواند همیشه و بدون کمک دیگران انجام دهد ۱ نمره، هر از گاهی ۰/۵ نمره و اگر قادر به انجام آن نباشد نمره صفر به او تعلق می‌گیرد. براهنی در سال ۱۳۷۶ برای هنجاریابی آزمون بلوغ اجتماعی واینلند در ایران آن را بر روی ۴۸۰۰ فرد

در نهایت از سوی همسالان، طرد و منزوی می‌شوند. این اهمیت در مورد پسران عقب‌مانده ذهنی که یک و نیم برابر بیشتر از دختران جمعیت عقب‌ماندگان ذهنی را تشکیل می‌دهند، بیشتر است، چرا که تعداد مشکلات رفتاری، اجتماعی و ارتباطی در پسرهای عقب‌مانده ذهنی بیشتر از دخترهای این گروه می‌باشد (۱۶).

بنابراین با اهتمام به مشکلات کودکان عقب‌مانده ذهنی در مهارت‌های ارتباطی و تأثیر منفی آن بر جنبه‌های زندگی اجتماعی و شغلی این کودکان و اهمیت سبک دلبستگی مادران در تعیین کیفیت رشد مهارت‌های ارتباطی فرزندان و نیز عدم وجود پژوهشی در این زمینه با گروه کودکان عقب‌مانده ذهنی در کشور ما، پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین سبک دلبستگی مادر و مهارت‌های ارتباطی فرزند پسر عقب‌مانده ذهنی وی انجام گردید.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی شهر شیراز در هر سه پایه اول، دوم و سوم، در سال تحصیلی ۱۳۸۸، به همراه مادران آنها تشکیل دادند. در پژوهش حاضر، با توجه به این‌که کل جامعه آماری پژوهش، ۱۴۷ دانش‌آموز پسر عقب‌مانده ذهنی دوره راهنمایی بود، برای نمونه پژوهشی از روش تمام شماری استفاده شد؛ ابتدا ملاک‌های ورودی برای کل جامعه آماری اعمال شد، بدین طریق دانش‌آموزانی که معلولیت‌های دیگر به‌جز عقب‌ماندگی ذهنی نداشتند و مادران آنها از سلامت کامل روانی و جسمانی برخوردار بودند، وارد مطالعه شدند. از آنجایی که کل جامعه، ملاک‌های ورودی پژوهش را دارا بودند، هیچ‌کدام از اعضای جامعه از مطالعه خارج نشدند. البته ۲۰ مادر به‌دلایل مختلف، حاضر به همکاری و شرکت در این پژوهش نشدند. لذا در نهایت ۱۲۷ دانش‌آموز پسر عقب‌مانده ذهنی دوره راهنمایی همراه با مادران آنها

ابتدایی، ۱۳/۳ درصد دیپلم و ۷/۱ درصد فوق دیپلم و بالاتر بود.

اختلاف میانگین نمرات مهارت ارتباطی در دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی رده سنی ۲۴-۲۰ سال با دانش‌آموزان ۲۰-۱۵ سال و کم‌تر از ۱۵ سال برابر ۳۲/۵۵ است، تفاوت مشاهده‌شده به لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < 0/001$)، یعنی میانگین نمرات مهارت ارتباطی دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی پسر رده سنی ۲۴-۲۰ سال، به‌طور معناداری بیشتر از رده‌های سنی کم‌تر از ۱۵ سال و ۲۰-۱۵ سال می‌باشد، ولی بین رده‌های سنی ۲۰-۱۵ و ۲۴-۲۰ سال، تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/32$). بنابراین مشاهده می‌شود که بیشترین مهارت ارتباطی دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی پسر مقطع راهنمایی شهر شیراز به ترتیب متعلق به رده‌های سنی ۲۴-۲۰ سال، کم‌تر از ۱۵ سال و در نهایت ۲۰-۱۵ سال می‌باشد (جدول ۲).

برای بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش از آزمون اسمیرنوف-کلموگروف استفاده شد، که نشان داد توزیع متغیر مهارت‌های ارتباطی و سبک‌های دلبستگی، غیرنرمال بوده است ($P < 0/05$). بنابراین به‌منظور بررسی رابطه سبک دلبستگی مادر با مهارت‌های ارتباطی فرزندان پسر عقب‌مانده ذهنی آن‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن (آزمون غیرپارامتریک) استفاده شد (جدول ۳).

نتایج پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی ایمن در مادران با مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی دوره راهنمایی شهر شیراز (۱۳۸۸) و مؤلفه‌های آن (مهارت‌های دریافتی، بیانی و نوشتاری) ارتباط مثبت

جدول ۱- مقایسه میانگین نمره مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی شهر شیراز بر حسب رده‌های سنی

سن	تعداد	درصد	X±SD	Pvalue
کم‌تر از ۱۵ سال	۱۴	۱۰/۰	۱۰۰/۴۸±۱۳/۵۸	
۱۵ تا ۲۰ سال	۱۰۲	۸۱/۳	۸۳/۰۵±۱۵/۱۵	۰/۰۲۳
۲۰ تا ۲۴	۱۱	۸/۷	۶۷/۹۲±۱۸/۲۹	
جمع کل	۱۲۷	۱۰۰/۰	۸۳/۶۶±۱۶/۸۲	

معلول و عادی اجرا کرد. ضرایب پایایی بازآزمایی با مجموع ضرایب یعنی ۰/۹۰-۰/۸۵، مطلوب و عالی گزارش شده است. روایی این پرسشنامه به‌وسیله همسانی درونی ۰/۸۹ اعلام شده است (۱۹).

به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، در ابتدای پژوهش به مادران اطمینان داده شد که پاسخ‌های آن‌ها محرمانه بوده و پژوهش هیچ‌گونه تهدیدی نسبت به خودشان و فرزندان‌شان نخواهد داشت. پس از جلب رضایت آن‌ها برای شرکت در پژوهش، اهداف مطالعه و روش اجرای مصاحبه و نحوه پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها ارایه گردید. ابتدا پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان (AAS) (۱۹۸۷) به مدت ۱۰ دقیقه و به‌صورت انفرادی توسط مادران تکمیل گردید؛ سپس آزمون فرعی "مهارت‌های ارتباطی" آزمون واینلند در ۱۲ دقیقه، به‌صورت مصاحبه و انفرادی بر روی دانش‌آموزان تکمیل شد.

داده‌های به‌دست‌آمده به‌کمک نرم افزار SPSS و بهره‌گیری از روش‌های آماری همبستگی اسپیرمن (به دلیل غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها) برای بررسی رابطه میان متغیرها، تحلیل واریانس (به دلیل نابرابر بودن تعداد مادران در گروه‌ها) برای مقایسه میانگین‌های سه گروه و همچنین از آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه‌های دوجه‌دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

اطلاعات به‌دست‌آمده نشان داد که ۳۴/۶ درصد دانش‌آموزان در کلاس اول، ۳۵/۴ درصد در کلاس دوم و ۲۹/۹ درصد در کلاس سوم قرار دارند.

همچنین ۱۰/۰ درصد از دانش‌آموزان کم‌تر از ۱۵ سال، ۸۱/۳ درصد بین ۲۰-۱۵ سال و ۸/۷ درصد بین ۲۴-۲۰ سال سن داشتند (جدول ۱).

اطلاعات به‌دست‌آمده نشان داد که ۰/۷۶ درصد از مادران دارای دانش‌آموز عقب‌مانده ذهنی، خانه‌دار و نیز ۰/۲۴ درصد آن‌ها شاغل می‌باشند. همچنین مدرک تحصیلی ۴۰/۲ درصد از مادران سیکل، ۳۹/۴ درصد

جدول ۲- مقایسه میانگین مهارت ارتباطی دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی مقطع راهنمایی شهر شیراز بر حسب رده های سنی آن ها (سال ۱۳۸۸)

Pvalue	سطح اطمینان ۹۵٪		خطای استاندارد	اختلاف میانگین	گروه سنی (سال)	گروه سنی (سال)
	حد پایین	حد بالا				
<۰/۰۰۱	۶/۶۳	۲۸/۲۱	۴/۳۵	۱۷/۴۲	سال ۱۵-۲۰	<۱۵
<۰/۰۰۱	۱۷/۳	۴۷/۸	۶/۱۵	۳۲/۵۵	سال ۲۰-۲۴	<۱۵
۰/۳۲	-۳/۱۱	۳۱/۱	۴/۸۴	۱۵/۱۲	سال ۲۰-۲۴	۱۵-۲۰

جدول ۳- همبستگی مهارت های ارتباطی و مؤلفه های آن با سه سبک دلبستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا

متغیر	دلبستگی ایمن		دلبستگی ناایمن اجتنابی		دلبستگی ناایمن دوسوگرا	
	ضریب همبستگی	مقدار احتمال	ضریب همبستگی	مقدار احتمال	ضریب همبستگی	مقدار احتمال
مهارت های بیانی	۰/۲۳۷	۰/۰۱۹	-۰/۳۰۲	۰/۰۱۷	-۰/۲۱۷	۰/۰۱۴
مهارت های دریافتی	۰/۴۰۵	۰/۰۰۲	-۰/۱۹۱	۰/۰۱۹	-۰/۱۶۳	۰/۰۲۵
مهارت های نوشتاری	۰/۳۱۵	<۰/۰۰۱	-۰/۲۶۱	۰/۰۳۱	-۰/۲۷۷	۰/۰۰۳
مهارت های ارتباطی	۰/۴۳۷	<۰/۰۰۱	-۰/۲۷۷	۰/۰۰۲	-۰/۱۹۱	۰/۰۳۱

معنادار دارد ($P < 0/001$). یعنی هر چه نمره سبک دلبستگی ایمن مادر بیشتر باشد، مهارت های ارتباطی پسر عقب مانده ذهنی او نیز بالاتر است (جدول ۳).

همچنین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی در مادران با مهارت های ارتباطی دانش آموزان عقب مانده ذهنی دوره راهنمایی شهر شیراز (۱۳۸۸) و مؤلفه های آن (مهارت های دریافتی، بیانی و نوشتاری) ارتباط منفی معنادار داشت ($P = 0/002$). این بدان معناست که هر چه نمره سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی مادر بیشتر باشد، مهارت های ارتباطی فرزند پسر عقب مانده ذهنی او نیز کم تر است (جدول ۳).

یافته های پژوهش مشخص نمود که سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا در مادران، با مهارت های ارتباطی دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی دوره راهنمایی شهر شیراز (۱۳۸۸) و مؤلفه های آن (مهارت های دریافتی، بیانی و نوشتاری) ارتباط منفی معناداری دارد ($P = 0/031$). به این معنی که هر چه نمره سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) مادر بیشتر باشد، مهارت های

ارتباطی فرزند پسر عقب مانده ذهنی او نیز کم تر است (جدول ۳).

بحث

یافته های به دست آمده از پژوهش نشان داد کودکان عقب مانده ذهنی که مهارت های ارتباطی بالایی داشتند دارای مادرانی با سبک دلبستگی ایمن بودند ($P < 0/001$). به بیان دیگر، هر چه نمره سبک دلبستگی ایمن مادر بیشتر باشد، میانگین نمرات مهارت های ارتباطی پسر عقب مانده ذهنی او نیز بالاتر است.

نتایج این مطالعه با پژوهش های استرنبرگ و همکاران (۱۲)، سانگ هون و همکاران (۱۳)، کوبایاشی (Kobayashi) (۲۰)، کوهن (Cohen) (۲۱) و عارفی و همکاران (۱۴) همسو می باشد.

استرنبرگ و همکاران، در نتیجه پژوهش خود نشان دادند اختلال نافرمانی مقابله ای که یکی از موانع رسیدن به مهارت های ارتباطی است، در کودکان عقب مانده ذهنی و نارسای شدید دیداری با اصلاح سبک دلبستگی ناایمن

مادران و برقراری دلبستگی ایمن در روابط مادران با کودکان خود، کاهش و در نهایت بهبود می‌یابد (۱۲).

نتیجه مطالعات کوبایاشی (۲۰۰۰) بر روی کودکان اوتیسم (هسته اصلی نشانگان این اختلال ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران است) نشان داد که با اصلاح سبک دلبستگی مادران از ایمن به نایمن، مهارت‌های ارتباطی عاطفی این کودکان بالاتر می‌رود (۲۰).

کوهن در تحقیقی دریافت که بین دلبستگی مادر و صلاحیت اجتماعی در ارتباط با همسالان فرزندان پسر در ۶ سالگی، ارتباط قوی وجود دارد. پسرانی که با مادران خود دلبستگی نایمن داشتند در ۶ سالگی از نظر همسالان، دوست داشتنی به حساب نمی‌آمدند، مشکلات رفتاری بیشتر و صلاحیت اجتماعی پایین داشتند و نسبت به همسالان خود رفتار پرخاشگری نشان می‌دادند (۲۱).

نظریه دلبستگی بر این فرض استوار است که انسان‌ها ذاتاً برای ارتباط با دیگران و دنیای بیرون تلاش می‌کنند. وقتی والدین در کودکی به صورت مناسبی این نیاز کودک را پاسخ می‌دهند، در کودک این مهارت شکل می‌گیرد و رشد می‌کند. در این صورت کودک، با اطمینان به این که والد او سریع و متناسب پاسخ می‌دهد به راحتی نیازهای خود را عنوان می‌کند. در نتیجه این تعامل گرم و صمیمانه مادران با فرزندانشان، کودکان خود را به عنوان فردی شایسته دریافت محبت و توجه از طرف دیگران ملاحظه می‌کنند، به دیگران به عنوان افرادی در دسترس، قابل اعتماد و اطمینان‌بخش می‌نگرند و تمایل به داشتن روابط نزدیک و صمیمی با دیگران دارند. آن‌ها از حس همکاری، تعاون بیشتر و صمیمیت بیشتر با همسالان و دوستان خود برخوردار بوده و ماهرانه‌تر و مؤثرتر با افراد غیر آشنا ارتباط برقرار می‌کنند (۱۰).

لاورا (Laura) و همکاران معتقدند که فصل مشترک روابط خانوادگی و روابط همسالان، نظریه دلبستگی است. توانایی کودکان و نوجوانان در ایجاد روابط دوستانه با همسالان برای رشد اجتماعی حایز اهمیت است. بچه‌هایی که قادر به ایجاد روابط دوستانه نیستند

در زندگی آینده‌شان دچار ناسازگاری‌های اجتماعی می‌شوند (۲۲). کودکان در تعامل با مادرشان می‌آموزند که کدام موقعیت‌ها، کدام هیجان‌ها را فرا می‌خوانند، چگونه می‌توان هیجان‌ها را به روشی قابل قبول از نظر اجتماع ابراز کرد و چگونه باید به هیجان‌های ابراز شده دیگران واکنش نشان داد. کودکانی که با مادران خود، رابطه والد-کودکی ایمن دارند کم‌تر از کودکان دارای رابطه والد-کودکی نایمن، رفتارهای منفی و ناسازگاری بروز می‌دهند، در ارتباط با همسالان، پرشورتر، گرم‌تر، مقاوم‌تر و همراه‌ترند، آن‌ها با افراد غریبه‌تر راحت‌تر هستند، تصویر مثبت‌تری از خود دارند و مربیان‌شان آن‌ها را به خود متکی‌تر، کاردان‌تر و مستقل‌تر ارزیابی می‌کنند (۱۸).

همچنین یافته‌های دیگر پژوهش نشان داد که سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا در مادران، با مهارت‌های ارتباطی فرزندان پسر عقب‌مانده ذهنی، ارتباط منفی معنادار دارد (به ترتیب $P < 0/002$ و $P = 0/031$). این بدان معناست که هر چه نمره سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) مادر بیشتر باشد، مهارت‌های ارتباطی فرزند پسر عقب‌مانده ذهنی او نیز کم‌تر است. نتایج این مطالعه با پژوهش کوبایاشی (۲۰)، زیلر و سیگمن (Siller & Sigman) (۲۳)، دیتزن (Ditzen) و همکاران (۲۴)، شالوت (Shallot) و همکاران، دپال (DePaul) و همکاران و دن فورث (Den Forth) و همکاران (۲۵) همسو است.

سانگ‌هون و همکاران در تحقیق خود نشان دادند که سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) مادر می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم بروز اختلال خاموشی عاطفی انتخابی (که یکی از نشانگان و پیامدهای مهم آن عدم ارتباط با دیگران است) مطرح باشد؛ به بیانی دیگر سبک دلبستگی اکثر مادران دارای کودکان مبتلا، بیشتر متمایل به سبک‌های نایمن اجتنابی و دوسوگرا می‌باشد (۱۳).

زیلر و سیگمن در پژوهش خود دریافتند که رفتارها و

بدین ترتیب شیوه درک، مواجهه و ابراز هیجان نسبت به محرک‌های درونی و بیرونی توسط مادر، الگوی ارتباط کودک با دنیای درون و بیرون می‌گردد. در نتیجه این تعامل ناصحیح مادر با فرزندش، کودک، تصویری که از خودش می‌سازد به‌عنوان موجودی است که ارزش عشق و مراقبت ندارد و تصویر او از جهان به‌عنوان مکانی ناامن و ناراحت‌کننده است که پذیرای او نیست؛ لذا کم‌ترین تعاملات صمیمی و فیزیکی را با مادرش (مراقبش) دارد (۱۸)؛ تجربه‌هایی که نوزاد با مادرش دارد در الگوهای روابط وی با دیگران درون‌سازی می‌شوند و این الگوی عملی درونی‌شده، تعیین‌کننده چگونگی مفهوم نوزاد از خود و دیگران است؛ مفهومی که بعد در روابط با دیگران تعمیم می‌یابد. استراتژی این کودک، کناره‌گیری و بی‌اعتمادی به دیگران است؛ در نتیجه این افراد در روابط با همسالان خود در آینده، منفی‌تر عمل می‌کنند و خود را میرا و بی‌نیاز به وجود و برقراری روابط با دیگران احساس می‌کنند. لذا در روابط با همسالان و دیگران بی‌اعتماد و ناتوان بوده و کارآیی اندکی دارند؛ دارای مهارت‌های ناپخته ارتباطی، کمرو و طلبکار هستند و بالاخره ظرفیتشان برای توسعه روابط صمیمی با اطرافیان محدود می‌شود (۲۶).

نتیجه‌گیری

سبک دلبستگی مادر یکی از عوامل مؤثر در رشد مهارت‌های ارتباطی فرزندان پسر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر است. وقتی سبک دلبستگی ایمن مادر بیشتر باشد، مهارت‌های ارتباطی فرزند عقب‌مانده ذهنی او افزایش می‌یابد و برعکس، زمانی که سبک دلبستگی مادر ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) باشد، مهارت‌های ارتباطی وی کاهش می‌یابد. محدود شدن پژوهش به جنس پسر، مقطع راهنمایی و گروه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر به‌شمار می‌رود و پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با بررسی متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش و مقایسه

حساسیت والدینی مادران دارای کودکان اوتیسم (که ناشی از سبک دلبستگی است)، بر رشد مهارت‌های ارتباطی در کودکانشان تأثیر می‌گذارد (۲۳). چراکه برخورد‌های بیشتر این مادران در تعامل با فرزندان اوتیسم خود منفی، خصمانه، طردکننده و غیرتقویت‌کننده است (۱۱).

دیتزن و همکاران (۲۴)، شالوت و همکاران، دیپال و همکاران و دن فورث و همکاران (۲۵) در مطالعه‌های خود که بر روی کودکان دارای اختلال فزون‌کنشی / نارسایی توجه (ADHA) انجام دادند به این نتیجه رسیدند که مادران این کودکان، کنترل‌کننده یا کاملاً رهاکننده هستند و کم‌تر از روش‌های فرزندپروری مثبت استفاده می‌کنند. رابطه مادران دارای کودکان ADHA، به‌خصوص در دوران نوجوانی به‌طور مشخص، منفی‌تر و خصمانه‌تر از سایر مادران می‌باشد؛ در موقعیت‌های آزمایشی، کم‌تر آغازکننده رابطه با کودک خود هستند و در صورت آغازگری کودک، پاسخ مثبت کم‌تری به او می‌دهند. کم‌تر به سوالات آن‌ها پاسخ می‌گویند و پاداش‌هایی نیز که به رفتارهای قابل قبول کودک می‌دهند کم است، که این به نوبه خود به تداوم و تشدید مشکلات رفتاری کودک مبتلا به ADHA منجر می‌گردد.

در نظریه دلبستگی، رفتار مادرانه و واکنش‌های مادر نسبت به فرزند خود تحت تأثیر سبک دلبستگی مادر قرار دارد (۷). مادران دارای دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) والدینی می‌شوند که قادر نیستند رابطه صحیح و محکمی با فرزندان خود داشته باشند (۲۲). این مادران در ابراز هیجانی خود بی‌ثبات و تحریک‌پذیرند، دارای نوسان خلقی و نامتعادل‌اند و عدم حساسیت به دیگران را نشان می‌دهند. همچنین در رفتار مادرانه خود کم‌تر حساس و حمایت‌کننده و در حل مسایل با کودکان خود کم‌تر کمک‌کننده هستند. در ابراز هیجان به کودک خود بی‌تعادل‌تر بوده و سریع‌تر تحریک می‌گردند. بیشتر توجه‌طلب هستند تا توجه‌کننده و ممکن است با کودک خود در به‌دست آوردن قدرت یا تسلط رقابت کنند.

مادران آنها که در این پروسه شرکت نمودند، سپاسگزاری می‌شود. همچنین از دوستان دانشمند و گرامی خود آقایان دکتر مهدی منوچهری، مهدی عبدالله‌زاده رافی و امیر طاهری و سرکارخانم‌ها بنفشه طاهری، شبنم و ژاله زاهدی که ما را در این پژوهش راهنمایی و یاری فرمودند و نیز از مادر مهربانم قدردانی می‌شود.

آن در مادران گروه‌های مختلف کودکان استثنایی، بر غنای اطلاعات بیافزاید و توان تعمیم‌پذیری نتایج را افزایش دهد.

تشکر و قدردانی

در پایان از پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش که با حمایت مالی خود زمینه انجام این پژوهش را فراهم آورده و نیز دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی شهر شیراز و

References

- Hussein Chary M, Delavarpour A. [Do shy people have no communication skills? (Persian)]. *Journal of Iranian Psychologists*. 2006; 3(10): 126-5.
- Seif D, Bashash L, Latifian M. [Effect on the social dimensions of their perception of the talented youth training centers and regular schools (Persian)]. *Journal of Psychology Shiraz University*. 2005; 4(29): 46-5.
- Spoitzberg BH. Methods of interpersonal skill assessment. In: Greene JO, Burleson BR. *Handbook of communication and social interaction skills*. 2003; 34-93.
- Lieberman LP. Problem solving and social skills training. *Psychology Service*. 2002; 53: 1034-035.
- Yousefi F. [The relationship between emotional intelligence and communication skills was in university students (Persian)]. *Journal of Iranian Psychologists*. 2005; 3(9): 5-13.
- Ashraf P. [The effect of parental attachment on adolescent autonomy, according to their attachment to their parents. . (Persian)]. MA thesis. Shiraz: Shiraz University. 2006; 9-16.
- Adam EK, Gunnar MR, Tanaka A. Adult attachment, parent emotional and observed parenting behavior: Mediator and moderator models. *Child Dev*. 2004; 75(1): 110-22.
- Samani S. [Comparison of attachment to father, mother and friends in a group of School children in Shiraz (Persian)]. *Journal of Social Sciences and Humanities*. 2005; 25(4): 99-111.
- Larose S, Bernier A, Tarabulsy GM. Attachment state of mind, learning dispositions, and academic performance during the college transition. *Dev Psychol*. 2005;41(1):281-9.
- Johnson SM, Whiffen VE. Attachment processes. Bahrami (Persian Translator). Tehran: Danjeh publishing. 2009; 52- 235.
- Qobary Bonab B, Astiry Z. Comparison of personality characteristics and attachment styles in mothers of children with ADHD in their children's normal fatigue and mothers. *J Research on Exceptional Children*. 2006; 6(3): 787-804.
- Sterkenburg PS, Janssen CGC, Schuengel C. The effect of an attachment-based behavior therapy for children with visual and severe intellectual disabilities. *J Apple Res Intellect Disable*. 2008; 21:126-35.
- Sang-Hoon C, Sung-Hoon J, Un-Sun C. Adult attachment style in mothers of children with selective mutism, *Child Development*. 2006; 17(2): 106-13.
- Aerfi M, Navab Nejad Sh, Sanaei Zaker B. [Relationship between attachment styles and quality of friendship in high school students in Kermanshah (Persian)]. *Journal of Psychological Science*. 2005; 15: 47-36.
- Soleimani Nejad A, Shaetrlo A. Underlying social skills of students with special needs employment (Persian)]. *J Special Education*. 2008; 82: 26-36.
- Shahi Y. [Compare the social skills of girls and boys ages syndrome Down School in Tehran (Persian)]. MA thesis. University of Welfare and Rehabilitation Sciences. 2007; 21- 54.
- Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment roses. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1987; 52: 511- 24.
- Zolfaghari Motlagh M, Jazayeri AR, Mazaheri MA, Khoshabi K, Karimlo M. [Comparison of attachment style, personality and anxiety, in mothers of children with separation anxiety disorder and mothers of normal children (Persian)]. *Journal of Family Research*. 2008; 3(3): 709-26.
- Gerami M. [Role in child rearing practices in their imagination and social maturity of students in Jask (dissertation) (Persian)]. MA thesis. Tehran: Shahid Beheshti University. 2008; 17-23.
- Kobayashi R. Affective communication of infants with autistic spectrum disorder and internal representation of their mothers. *Psychiatry Clin Neurosci*. 2000;54(2):235-43.

21. Barse R. Adult attachment and marital satisfaction: evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationship*. 2004; 2: 273-82.
22. Laura S, Mc Loskey F, Stowing J. The quality of peer relation among children exposed to family violence, Harvard University and Arizona State University. *Journal of Development and Psychology*. 2001; 1: 50- 7.
23. Siller M, Sigman M. The behaviors of parents of children with autism predict the subsequent development of their children's communication. *J Autism Dev Disord*. 2002;32(2):77-89.
24. Ditzen B, Schmidt S, Strauss B, Nater UM, Ehlert U, Heinrichs M. Adult attachment and social support interact to reduce psychological but not cortisol responses to stress. *J Psychosom Res*. 2008;64(5):479-86.
25. Moharrary F, Shahrivar Z, Tehrani Dost M. [Training effect "constructive training program" to the mothers of children with behavioral problems, hyperactivity disorder / less attention (Persian)]. *Journal of Mental Health Principles*. 2009; 1(41): 40-31.
26. Zolfaghari Motlagh M. [Efficacy of treatment based on symptoms of attachment disorder, separation anxiety (Persian)]. Dissertation. Tehran: Welfare and Rehabilitation Sciences University. 2007: 6-9.